

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۳، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۶۲-۱۴۵

واحد مشاهده در تحقیقات کیفی

سید بیوک محمدی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۲/۹/۲۷

چکیده

هر تحقیقی از مجموعه فعالیت‌های مرتبط به هم تشکیل شده است؛ در یک سو نظریه و مفاهیم وابسته به آن و در سوی دیگر داده‌های متشکل از اجزایی قرار دارند که مورد مشاهده واقع شده‌اند. اهمیت واحد مشاهده در این است بر مبنای آن استنباط نظری و نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد بنابراین درک ویژگی‌های واحد مشاهده ضروری است. این امر به ویژه در تحقیقات کیفی که واحدهای مشاهده نسبت به تحقیقات کمی، از تنوع بیشتری برخوردارند و درعین حال مدیریت آنها نیازمند در نظر گرفتن نکته‌های جزئی است، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این مقاله ابتدا درباره ویژگی‌های واحد مشاهده مانند نقش واحد مشاهده در تحقیق، ارتباط آن با پرسش‌های پژوهش، اهمیت آن در نمونه‌گیری کیفی و تفاوت آن با سایر مفاهیم مشابه (واحد ثبت، شمارش و تجزیه و تحلیل) بحث می‌شود. سپس انواع واحدهای مشاهده و منابع آن در تحقیقات کیفی مانند اسناد و مدارک، داده‌های موجود، نتایج تحقیقات قبلی، وقایع و تفسیر آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. سرانجام رابطه داده‌ها با تجزیه و تحلیل، در تأثیر متقابل واحدهای مشاهده در شکل‌دهی به تحلیل‌ها و تأثیر تحلیل‌ها بر چگونگی و انتخاب واحدهای مشاهده بررسی می‌شوند.

کلید واژگان: ارزیابی داده‌ها، تحقیق کیفی، گردآوری اطلاعات، مشاهده، واحد مشاهده.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌ها در فرایند پژوهش تعیین نوع مشاهده در ارتباط با واحدهای پژوهش است زیرا که این تصمیم وسعت و میدان تحقیق و ساختار تجزیه و تحلیل را تعیین می‌کند. در ضمن نوع واحدهای مشاهده بر مسائل مهمی مانند قابلیت اعتبار و قابلیت اعتماد تحقیق اثر می‌گذارد. انتخاب نوع واحد مشاهده از فرایند فعالیت‌های تحقیق صورت گرفته تأثیر می‌پذیرد. متخصصان روش‌شناسی تأکید می‌کنند هر گونه متقاعدسازی در نهایت به نوع مشاهدات بستگی دارد، زیرا که بدون داشتن نوعی چارچوب نظری انجام مشاهده ممکن نخواهد بود. برای مثال بدون شناخت مفهوم سازمان نمی‌توان درباره واحدی به نام سازمان تحقیق کرد. البته همه مفاهیم مانند سازمان برای عموم آشنا نیست نظیر گروه مرجع، خشونت غیرلفظی، خوداشتغالی و ... بنابراین قبل از اقدام به مشاهده، روشن‌سازی دقیق مفاهیم ضروری است. هدف کلی مقاله حاضر این است که درک بهتری از دانش مورد نیاز برای انتخاب واحد مشاهده ارائه دهد، ویژگی‌های واحد مشاهده چیست؟ منابع آن کدام‌اند؟ و چگونه باید در این‌باره تصمیم‌گیری کرد؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها ابتدا به ویژگی‌های واحد مشاهده در تحقیقات کیفی، سپس منابع واحدهای مشاهده و در آخر به تجزیه، تحلیل و ارزیابی واحدهای مشاهده شده پرداخته می‌شود. لازم به یادآوری است که در این نوشته مشاهده معنای دریافت هرگونه اطلاعاتی از طریق حواس پنج‌گانه است (دیدن، شنیدن، لمس کردن، بویدن و چشیدن). در زبان فارسی برخی به جای مشاهده علمی واژه ملاحظه را به کار می‌برند؛ اما استفاده از واژه مشاهده معمول‌تر است.

نقش واحد مشاهده

برای اینکه بتوانیم تحلیلی بکنیم و یا بخواهیم ادعایی مطرح کنیم و آن را مدلل سازیم به اطلاعات یا داده‌ها نیازمندیم. در فرهنگ وبستر، داده "اطلاعات مبتنی بر واقعیات است که بر پایه آن استدلال می‌شود". این تعریف با همه جامعیتی که دارد، مشخص نمی‌کند که "داده" در علوم اجتماعی مشتمل بر چه چیزی است و به ویژه داده‌ها در تحقیقات کیفی از چه جنس هستند.

محقق روش کیفی، ابتدا باید واحد مشاهده را تعیین کند. برای انجام این کار لازم است که جامعه مورد مطالعه را با در نظر گرفتن اینکه در نهایت کدام یافته‌ها دلالت یا تعمیم می‌یابند مشخص کند. کادر دوربین عکاسی می‌تواند راهنمای خوبی در این زمینه باشد. اینکه موقع عکس‌برداری چه چیزی را باید در چارچوب عکس قرار داد؟ و چه چیزهایی را باید حذف نمود؟ شبیه به انتخاب واحد مشاهده برای جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق کیفی است. با اینکه اهمیت

انتخاب واحد مشاهده در همه تحقیقات یکسان است، اما این کار در تحقیقات کیفی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

ویژگی‌های تحقیق کیفی

یافته‌های روش تحقیق کیفی از طریق داده‌های آماری و یا کمی کردن حاصل نمی‌شود (بوجدان و تیلور^۱، ۱۹۷۵: ۴). به عبارتی تحقیق کیفی با معانی، مفاهیم، تعاریف، نمادها و توصیف ویژگی‌ها مرتبط است، در صورتی که تحقیق کمی بر شمارش و اندازه‌گیری تأکید می‌کند (برگ^۲، ۱۹۸۹: ۲). روش تحقیق کیفی دارای تنوع در تعریف است که خود نشان‌دهنده گوناگونی نگرش‌ها، گرایش‌ها و فن‌ها است:

”روش تحقیق کیفی تلاشی است جهت توصیف غیرکمی از موقعیت‌ها، حوادث و گروه‌های کوچک اجتماعی، با توجه به جزئیات و همچنین سعی برای ارائه تعبیر و تفسیر معانی که انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی و عادی به زندگی خود و حوادث می‌بخشند؛ و بر این فرض استوار است که کنش متقابل اجتماعی کلیتی درهم‌تنیده از روابطی را تشکیل می‌دهد که به وسیله استقراء قابل درک است“ (پین، ۲۰۰۵: ۱۷۵).

روش تحقیق کیفی یا به عبارت دقیق‌تر، روش‌های تحقیق کیفی، به رغم تنوع و اختلاف، دارای ویژگی‌ها مشترکی هستند. ضمن تأکید بر غنا و تنوع فن‌ها و شیوه‌های تحقیق، عناصر نظری سازنده روش تحقیق کیفی (مورد قبول اکثر طرفداران شیوه‌های مختلف تحقیق کیفی) به شرح زیر است

(۱) روش تحقیق کیفی در کلیت خویش، تعبیری است. به این معنی که به چگونگی تعبیر، درک، تجربه و سرانجام ایجاد فضای اجتماعی می‌پردازد.

(۲) با توجه به چگونگی گردآوری اطلاعات، روش کیفی نسبت به محتوای اجتماعی که این اطلاعات در آن ایجاد یا گردآوری می‌شود، حساسیت و انعطاف دارد؛ و کمتر به داده‌های خنثی، استاندارد شده و مجزا از محتوا می‌پردازد.

(۳) تجزیه، تحلیل و تبیین مستلزم درک پیچیدگی‌ها، ظرافت‌ها و به طور کلی، مستلزم درک محتوا است. هدف تحقیقات کیفی، درک همه جانبه موضوع بر اساس داده‌هایی است که محتوا همراه با ظرافت‌هایش در آن منظور شده است.

¹ Bogdan & Taylor

² Berg

۴) در تحقیقات کمی، داده‌ها به صورت جدول ارائه می‌شود. در تحقیقات کیفی معمولاً چنین ارقامی وجود ندارد بلکه توضیح و تبیین‌هایی برخاسته از داده‌ها ارائه می‌شود. قابل ذکر است که گاه توضیحات با داده‌های کمی به عنوان نمونه آورده می‌شود (میسون، ۱۹۹۷: ۴).

با توجه به این ویژگی‌ها اهمیت چهارچوب مفهومی یا به عبارتی "قرار گرفتن در کادر دوربین عکس" مشخص می‌شود. برای مثال وقتی راجع به سازمان صحبت می‌کنیم آن را به معنای گروه‌بندی بزرگی مشتمل از افرادی که بر اساس اصول غیرشخصی ساخت یافته‌اند و در پی دستیابی به اهداف خاصی هستند مانند دانشگاه، بیمارستان و کارخانه در نظر می‌گیریم (گیدنز، ۱۳۸۹؛ ۴۹۷). اگر به ویژگی‌های کامل سازمان دقت کنیم موضوع بسیار پیچیده می‌شود. اگر آن ویژگی‌ها نباشد نمی‌توان بین سازمان به عنوان گروهی از مردم با گروه دیگری مثل خانواده یا تیم فوتبال و ... تفاوت قایل شد. در این صورت است که گفته می‌شود محتوا امری مهم است. زیرا که همان افراد سازمان مانند مدیرعامل در خارج از سازمان بدون محتوای سازمانی به عنوان مدیر معنی‌دار نیست. البته موضوع سازمان مثال ساده‌ای بود. در واقعیت شرایطی بسیاری وجود دارد که تعریف آنها بسیار مشکل است. در این نوشته با اینکه موضوع اصلی واحد مشاهده است، اما با توجه به ویژگی‌های روش تحقیق کیفی سعی خواهد شد که مثال‌ها از زمینه‌هایی باشند که در این قبیل تحقیقات به کار گرفته می‌شوند.

نقش پرسش‌های پژوهش

اینکه واحد مشاهده باید شامل چه موارد و اشیاء و داده‌هایی باشد وابسته به سوالات تحقیق است. پرسش‌ها معین می‌کنند که محقق به چه نوع اطلاعاتی نیاز دارد. یا به عبارت بهتر، اینکه پرسش‌های وی درباره چه کسانی یا چه گروهی است، تعیین می‌کند چه واحدهایی را باید مشاهده کند و چه اطلاعاتی را گردآوری نماید. واحد مشاهده می‌تواند افراد، کنش‌ها، اسناد، قوانین، واحدهای سیاسی، واحدهای جغرافیایی، سازمان‌ها، گروه‌ها، طوایف و فامیل و خانواده و یا ده‌ها موضوع ظریف و ناشناخته باشد. به‌طور مثال اگر شما در سازمانی مشغول تحقیق هستید و پرسش تحقیق شما بر محور دلایل کم‌کاری کارکنان است، در این صورت باید گستره وسیعی از اطلاعات را جمع‌آوری کنید، از کارکنان مستقیم بپرسید که چرا کم‌کاری می‌کنند؟ در این صورت نقل قول‌های شفاهی یا کتبی آنها می‌تواند واحد مشاهده به شمار رود؛ اما از آنجا که کارکنان به احتمال قوی از اظهار نظر منفی نسبت به مدیریت پرهیز می‌کنند؛ لازم خواهد بود که به مواردی از قبیل رفتارها و گفتارهای مدیرعامل یا مدیران میان یا حتی مقررات سازمانی که ممکن است در کارکنان ایجاد احساس اجحاف کند توجه داشته باشید. در این صورت ممکن است که توجه زیاد مدیرعامل به همکاری که از فامیل‌های خودش است یا مقرراتی که به نظر آنها تبعیض‌آمیز است واحد مشاهده در این تحقیق باشد (مدیرعامل به فامیل خود مرخصی

می‌دهد، یا طبق مقررات شرکت افرادی شامل پاداش هستند که حداقل یک سال در شرکت کار کرده باشند).

وابستگی واحدهای مشاهده به یکدیگر در نمونه‌گیری

همان‌طور که گفته شد تحقیق کیفی شامل شیوه‌های متعدد است. در بعضی از این فنون مانند مردم‌نگاری یک گروه، در مطالعه موردی یک پدیده، در تحلیل محتوایی متنی خاص، یا حتی کل مجموعه مطالعه می‌شود و نیازی به نمونه‌گیری نیست؛ اما در بسیاری از موارد دیگر، به ویژه در تحقیقات میدانی در حوزه فرهنگی خاص، گردآوری اطلاعات همه حوزه‌ها ممکن نیست و ما نیازمند انتخاب چند نمونه از میان کل جامعه مورد مطالعه هستیم. در این گونه موارد نمونه‌گیری ضروری است.

مفاهیم در تحقیق کیفی نقش محوری دارند و معمولاً اهداف اصلی و یا یکی از اهداف چنین تحقیقی نظریه‌پردازی یا تحلیل نظری است، از این رو نمونه‌گیری در تحقیق کیفی را نمونه‌گیری مفهومی یا نمونه‌گیری نظری می‌نامند

”در تحقیق کیفی، هدف محقق، شناسایی، رشد و توسعه و مرتبط کردن مفاهیم با یکدیگر است. لذا، وقتی که می‌گوییم باید به نمونه‌گیری نظری پرداخت، یعنی باید بر مبنای مفاهیمی که از دیدگاه نظری به نظریه مورد نظر محقق مربوط اند نمونه‌گیری شود. این بدان معنی است که اولاً مفاهیم در هنگام مقایسه موارد یا تکرار می‌شوند یا به صورت قابل ملاحظه‌ای غایب‌اند و ثانیاً در جریان کدگذاری، آن مفاهیم، مقام مقوله را به خود می‌گیرند“ (استراس و کوربین، ۱۹۹۰: ۱۷۷).

تعریف نمونه‌گیری نشان می‌دهد که در تحقیق کیفی نوع واحد مشاهده محقق را به جستجوی واحد مشاهده بعدی راهنمایی می‌کند. زیرا استنباطی که از یک مشاهده به عمل می‌آید نشان می‌دهد که چه مواردی مهم هستند و باید در مشاهده‌های بعدی مورد توجه قرار گیرند. این امر به ویژه در ابتدا که هنوز نشانگرها یا شاخص‌های مربوط به دقت مشخص نشده‌اند بیشتر محسوس است. وقتی که امر گردآوری اطلاعات پیش می‌رود محقق بهتر می‌داند که باید چه عناصری را به عنوان واحد مشاهده مورد بررسی قرار دهد.

تفاوت واحد مشاهده با سایر مفاهیم مشابه

واحد ثبت مشاهده

واحد ثبت آن چیزی است که محقق بعد از مشاهده آن را ثبت یا ضبط می‌کند. معمولاً واحد مشاهده و ثبت یکی هستند مانند دیدن تعداد زنان و مردان و ثبت همان رقم؛ اما از آنجا که ممکن است آنچه محقق مشاهده و ثبت می‌کند یکسان نباشد لازم است که وی متوجه تفاوت آنها باشد و اینکه چگونه باید آنها را ثبت کند. این امر در تحقیقات کیفی اهمیت خاصی پیدا می‌کند زیرا ممکن است میان مشاهده محقق با امر واقعی متفاوت باشد. برای مثال پژوهشگری درباره روابط همسران تحقیق می‌کند. او در ضمن مشاهده می‌بیند که یکی از طرفین به همسرش می‌گوید ”برو گم شو“ اما وی از محتوای مکالمات آگاه است که وی به عنوان شوخی یا ابراز محبت به همسرش با او این‌گونه حرف می‌زند بنابراین اگر او همان واژگان ”برو گم شو“ را ثبت کند و در آخر آن را واحد تجزیه و تحلیل قرار دهد به خطا خواهد رفت. پس لازم است که او در نوشتار خود ویژگی‌های محتوای ثبت کند.

واحد شمارش

واحد مشاهده معمولاً با واحد شمارش متفاوت است؛ مثلاً اگر فرد واحد مشاهده باشد ممکن است چند موضوع در رفتار وی قابل مشاهده باشد یا در یک سازمان انواع مختلفی از روش‌های حل اختلاف و مذاکره وجود داشته باشد و در یک مطالعه شش روش مذاکره را از دو سازمان مختلف مشاهده کنیم. به عبارت دیگر، از دو واحد مشاهده، شش واحد شمارش و ثبت به دست آوریم. این امر به ویژه در مطالعات موردی و تحلیل محتوایی که واحد شمارش همان واحد تجزیه و تحلیل است بیشتر مصداق پیدا می‌کند. در محتوای گزارش رسانه‌ها، شخصیت‌های اصلی و ویژگی‌های آنها واحدهای اصلی برای ثبت و شمارش هستند (بريمن، ۲۰۰۸: ۲۸۰).

اگر واحد مشاهده در مطالعه‌ای برخورد خاصی میان همسران باشد آن برخورد خاص ممکن است که بیش از یک معنی داشته باشد پس محقق ممکن است که بیش از یک مورد را ثبت کند و در شمارش نیز آن مشاهده خاص بیش از یک مورد شمرده شود.

واحد تجزیه و تحلیل

واحد مشاهده با واحد تجزیه و تحلیل نیز متفاوت است. مشاهده از موارد ملموس آغاز می‌شود اما تحلیل از موارد انتزاعی صورت می‌گیرد. با اینکه ممکن است واحد مشاهده ما افراد باشند، اما آنها موضوع تجزیه و تحلیل نیستند بلکه کارهایی که آنها انجام می‌دهند یا حرف‌هایی که می‌زنند، هدف تحلیل است. ممکن است سازمان‌ها واحد مشاهده باشند و واحد تجزیه و تحلیل جنبه‌هایی از طرز کار سازمان‌ها باشد، نه خود آنها مثل شیوه حل اختلافات یا مذاکرات در سازمان‌ها

(راسی، ۱۹۸۸: ۱۳۵). برای مثال برای بررسی ساختار قدرت در خانواده به مشاهده رفتار همسران پرداخته می‌شود که نشانه اعمال قدرت یا اطاعت باشد اما برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها به کلیت رابطه توجه می‌شود. پس رفتارهای خاص همسران مانند اینکه چه کسی کنترل پول را در اختیار دارد واحد مشاهده است، اما واحد تجزیه و تحلیل، رابطه بین آنان است؛ مانند میزان اعتماد به همدیگر یا تفویض اختیارات در امور مالی.

انواع واحد مشاهده

مسئله این است که ما چه چیزی را به عنوان واحد مشاهده تعیین می‌کنیم، با مشخص شدن اینکه "داده چیست" و "واحد مشاهده مورد نظر من" کدام است معین می‌شود که ما چه اطلاعاتی را از کجا، در کجا و چگونه گردآوری می‌کنیم. هدف اصلی از تعیین واحد مشاهده این است که محقق بداند دقیقاً در پی دیدن چه چیزی است، وی در نهایت می‌خواهد بر مبنای آن اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل کند پرسش‌های پژوهش واحد مشاهده را تعیین می‌کند اما باید به "داده‌ها" با دید وسیع‌تری نگرست تا منابع موجود شناسایی شود. در روش کیفی، تعریف داده از سوی محقق اهمیت زیادی دارد و بسیاری از خلاقیت‌ها در شناخت منابع جدید اطلاعاتی در این مرحله صورت می‌گیرد. در روش کیفی، واحدهای مشاهده زیر را می‌توان به عنوان منابع اطلاعاتی به کار گرفت:

(۱) اسناد و مدارک: شامل اطلاعات کسب‌شده از منابع دیگر است مثلاً تبلیغات روزنامه‌ها مواد خام تحقیق و هر عکس برای محقق یک واحد مشاهده به شمار می‌آید همچنین کلمات یا اسامی که در تحلیل محتوا به کار گرفته می‌شوند. برای نمونه در تحقیقی درباره زنان، بخش‌هایی از متن قانون اساسی به عنوان واحدهای مشاهده قرار می‌گیرد (خلیلی و صالح‌نیا، ۱۳۹۱)

(۲) داده‌های موجود: داده‌های گردآوری‌شده در تحقیقی دیگر می‌تواند داده‌های خام برای تحقیقی جدید باشد. به طور مثال در پژوهش‌های مربوط به ساختار قدرت در خانواده در اکثر تحقیقات (هم کمی و هم کیفی) تصمیم‌گیری درباره عناصر مهمی مانند چگونگی خرج کردن پول، به عنوان شاخص قدرت در نظر گرفته شده است. حال محقق دیگری می‌تواند اطلاعات آنها درباره موارد مصرف پول را به عنوان واحد مشاهده در نظر بگیرد و به تحلیل اهمیت پول در روابط همسران بپردازد.

(۳) نتایج تحقیقات قبلی: نتایج پژوهش‌های پیشین می‌تواند واحد مشاهده برای تحقیقی جدید باشند. تحقیقات مربوط به زنان در ۳۰ سال گذشته بر روی استثمار زنان متمرکز بوده است. پژوهشگر می‌تواند با واحد مشاهده قرار دادن این نتایج به تحلیل آنها بپردازد؛ مانند اینکه اکثر تحقیقات در این زمینه، استثمار را تقبیح، تأیید یا توجیه کرده‌اند.

۴) حوادث و وقایع: حوادث و وقایع می‌توانند به عنوان داده به کار روند. حوادث را ممکن است افراد برای ما تعریف کنند (اختلاف پدری با فرزندش)، یا خود ما آنها را به طور مستقیم مشاهده کنیم (مشاهده اختلافات خانوادگی یا تصادف در خیابان یا یک جلسه مذاکره سازمانی) یا از رسانه‌ها از وقوع حادثه‌ای باخبر شویم (بروز تظاهرات). انتخاب واحد مشاهده در تحقیقاتی که به مشاهده مستقیم نیازمند است ضرورت بیشتری دارد. داده‌های مبتنی بر مشاهده هم در تحقیقات کیفی و هم در تحقیقات کمی به کار گرفته می‌شوند؛ اما در تحقیقات کیفی شکل متن‌های روایتی به خود می‌گیرند. از این رو چون روایت بی‌طرفانه داده‌ها در این‌گونه موارد بسیار دشوار است پس لازم است که برای به حداقل رساندن تفسیرهای شخصی دقت خاصی در ارائه گزارش مشاهده از قبیل بیان روایت‌ها به شکل نقل‌قول مستقیم، اعمال کرد (بیکمن و راگ: ۲۰۰۹: ۲۶۱).

تعبیر رخدادها

تعبیر رخدادها نیز می‌تواند واحد مشاهده به شمار آید. این مورد با اینکه کمی با نتایج تحقیق به عنوان واحد مشاهده مشابهت دارد اما متفاوت نیز است زیرا تعابیر ممکن است تعابیر افراد یا گروه‌ها باشند و نه نتایج تحقیق محققان؛ مثلاً در مطالعه‌ای درباره مهاجرت، برداشت افراد از شرایطی که آنها را مجبور یا راغب به گرفتن تصمیم درباره مهاجرت کرده است، برای ما داده‌های مهمی محسوب می‌شوند یا تعبیری که اعضای یک خانواده از دلایل وجود اختلافات در آن خانواده دارند، خود اطلاعات محسوب می‌شود. این قبیل اطلاعات با ارزش هستند حتی اگر توجیه علمی نداشته باشند (تعبیر افراد محلی از وقوع حوادث ناگوار به مثابه تظاهر ارواح خبیثه). بنابراین با اینکه ما معمولاً افراد را به عنوان واحد مشاهده خود انتخاب می‌کنیم اما افراد داده نیستند. تبدیل واحدهای مشاهده به داده‌هایی که تجزیه و تحلیل روی آنها صورت می‌گیرد، مستلزم تصمیم‌هایی است که محقق باید بگیرد و آن تصمیم‌ها وابسته به پرسش‌ها و اهداف تحقیق است.

منابع جدید

اگر منبع اطلاعاتی لازم وجود نداشته باشد، محقق مجبور است منابع جدیدی را تولید کند. این کار، مانند بسیاری از اقدامات در روش تحقیق کیفی مستلزم ابتکارات شخصی است؛ مثال زیر را محقق در جلسه سخنرانی خود درباره آسیب‌های اجتماعی عنوان کرد:

”وقتی که تحقیق دربارهٔ ”سوءاستفاده جنسی از کودکان“ را شروع کردم، ابتدا نیاز به بررسی تاریخچه این موضوع داشتم. بعد متوجه شدم که هیچ تحقیق قبلی

وجود ندارد. مدتی سرگردان بودم تا اینکه به ادبیات روی آوردم. از سعدی و حافظ گرفته تا صائب و خاقانی و ایرج میرزا که پر از اشعار عاشقانه مربوط به کودکان است. تاریخ ایران پر از این‌گونه رفتارها و گفتارها است. درباره‌ها، مرکز سوءاستفاده‌های جنسی بودند و در رأس آن شاه قرار داشت. همه، داستان‌های غلام بچه‌ها، ناصرالدین‌شاه، ملیجک و ملیجک‌ها و دختران کم سن و سال اهدایی به او را شنیده یا خوانده‌اند. بدین ترتیب، من به یک منبع اطلاعاتی غنی درباره تاریخچه موضوع تحقیقم دست یافتم“ (نگارنده)

منابع جدید واحدهای مشاهده حتما لازم نیست که از اسناد و مدارک (منابع کتابخانه‌ای) باشد. این منابع را می‌توان از حوزه‌ها و عرصه‌های متنوعی به دست آورد مانند اظهارات کودکان درباره درک روابط والدینشان می‌تواند مفید باشد، یا با بررسی زبانه‌های مردم می‌توان به شیوه زندگی آنها پی برد، یا با مشاهده آثار هنری می‌توان درباره ارزش‌ها، محرمات و حتی سطح فناوری موجود یک جامعه تحقیق کرد.

اشیا و حوادث و وقایع غایب

در اکثر اوقات وجود بعضی اشیا و حوادث واحد مشاهده محسوب می‌شوند؛ اما بعضی اوقات، عدم حضور آنها خود می‌تواند واحد مشاهده و اطلاعات باشد؛ در مطالعه اختلافات خانوادگی، می‌توان دید که اعضای خانواده بر سر چه چیزهایی اختلاف پیدا می‌کنند و همین‌طور می‌توان مشاهده کرد که بر سر چه چیزهایی اختلاف ندارند. یا چه روش‌هایی را برای حل اختلافات در نظر می‌گیرند و از چه روش‌هایی استفاده نمی‌کنند به عبارت دیگر، اشیا و حوادثی یا اعمال و گفتارهایی که ما فکر می‌کنیم باید حضور داشته باشند اما ندارند، خود اطلاعات محسوب می‌شوند که باید مشاهده و بعد ثبت گردد. به قول هری استاک سالیوان^۱ برای روان‌شناس، مهم‌ترین چیز آن چیزی نیست که مردم به شما می‌گویند بلکه چیزهایی است که مردم به شما نمی‌گویند و سعی می‌کنند از گفتنش اجتناب کنند (گیلهم، ۲۰۰۰: ۳۱).

همین امر درباره مطالعات اجتماعی نیز صدق می‌کند. به طور مثال چرا در مطالعه‌ای پاسخگویان، گرانی را مشکل اساسی ذکر می‌کنند و بی‌سوادی حدود بیست درصد از جمعیت را به عنوان مسئله نادیده می‌گیرند، یا وجود زنان خودفروش آسیب به شمار می‌رود و اما مردان مشتری آنها نادیده گرفته می‌شوند. این قبیل موارد برای محقق اطلاعات معنی‌دار به شمار می‌آید. در این زمان عدم حضور بعضی چیزها می‌تواند برای محقق واحد مشاهده باشد.

¹ Sullivan S.H

تجربه‌های شخصی محقق

تجربه‌های شخصی محقق منبع عظیمی از اطلاعات است که نه تنها می‌تواند در ضمن گردآوری اطلاعات از آنها استفاده کند بلکه حتی می‌تواند آنها را به عنوان داده به کار گیرد:

”روزی در یک شرکت خصوصی از من خواستند درباره مسائل شرکت مطالعه‌ای بکنم. متوجه شدم که یکی از ناراحتی‌های مدیران میانی این بود که مدیرعامل و هیات مدیره به توصیه‌های زبردستان و حتی مدیران میانی توجهی نمی‌کنند. در گزارش اولیه‌ام این نکته را متذکر شدم؛ اما به توصیه‌های من نیز ترتیب اثر داده نشد. در گزارش دوم خودم، عدم توجه بزرگان شرکت را به توصیه‌های قبلی خودم به عنوان نمونه‌ای از مشاهداتم افزودم“

ذهن محقق خالی انباری از اطلاعات هرچند درهم‌ریخته و نامنظم است. پس همان‌طور که اشاره شد داده‌ها باید از منابعی گردآوری شوند؛ و از آنجا که داده‌ها گستره وسیعی از انواع اطلاعات را در برمی‌گیرد (حوادث، وقایع، اشیا، تعابیر افراد، تعابیر و تجارب شخصی و اسناد و مدارک) که در نهایت مبتنی بر مشاهده واحدهایی است که محقق انتخاب کرده است. تجربه‌های می‌تواند شخصی بخشی از آن انتخاب محقق باشد.

وقایع روزمره و روابط اجتماعی

مردم‌نگاری یکی از انواع تحقیقات کیفی مشهور قدیمی است. در مطالعات مربوط به مردم‌نگاری هدف توصیف کل حوادث مربوط به زندگی افراد گروه مورد نظر و سپس تجزیه و تحلیل و ارائه تفسیر است. در راستای چنین هدفی پرسش‌های تحقیق با هدف شناخت جنبه‌های مختلف فرهنگ گروه مطرح می‌گردد (سلکایند و میلر، ۲۰۰۲: ۱۶۱). در چنین تحقیقاتی واحد مشاهده مجموعه‌ای از رفتارها، گفتارها و حوادث است. از آنجا که روابط اجتماعی واحدهای تجزیه و تحلیل‌اند و آن روابط از اجزاء خاصی تشکیل می‌شوند؛ واحدهای مشاهده در یک تحقیق مردم‌نگارانه انواع بسیاری از موارد را در برمی‌گیرد. محقق باید در گزارش خود توضیح دهد که چگونه به درک فرهنگ آنان دست یافته و از کدام اطلاعات برای فهم آنها یاری گرفته است.

”در راه بازگشت از بازار دوستم شیخ عبدالفارق را دیدم. کفش‌های چرمی مشکی براق انگلیسی و شلوار و جلیقه ویکتوریایی او با گام‌های آرام و متین که گویی ... یک جنتمن در باری انگلیسی در حال قدم زدن و ... او گفت من دوستان انگلیسی زیادی

دارم و این کراوات نشان احترام من به فرهنگ و ارزش‌های آنها است.“ (فاضلی، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

اندازه واحد مشاهده

واحد مشاهده می‌تواند بسیار متنوع باشد، مانند حرکت یک دست یا یک انگشت فرد، رفتارهای غیرکلامی دوستان، یک منطقه، یک شهر یا حتی بزرگ‌تر. برای مثال فکوهی در کار خود شهر را واحد مشاهده قرار داده است

”در حال حاضر شهرهای ما هویت چندانی ندارند. مثالی بزنیم اگر امروز از شهر ما و شاخص‌های آنها تصویربرداری شود، نمی‌توان شهری را از شهر دیگر تشخیص داد یعنی عناصری متمایزکننده در شهرهای ما از لحاظ فرهنگی وجود ندارد“ (فکوهی، ۱۳۸۸).

بررسی مجدد و تحلیل یافته‌ها

طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل و حتی گردآوری اطلاعات فعالیت‌هایی خنثی و مکانیکی نیستند بلکه همه آنها جزو فرایندی پویا هستند و هر تصمیمی در راستای چگونگی انجام آنها موجب ایجاد یا عدم ایجاد گزینه‌هایی می‌شود که در نتیجه نهایی تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل بررسی مجدد داده‌ها در فرایند پژوهش امری ضروری است که با روش‌های زیر قابل انجام است

(۱) بپرسید مشاهدات من به چه درد می‌خورند: همان‌گونه که می‌دانیم، تعبیر و تبیین‌ها بر مبنای داده‌ها صورت می‌گیرد. پس باید پرسید که من چه چیزهایی را مشاهده کرده و ثبت کرده‌ام و آنها چه اطلاعاتی در اختیار من قرار می‌دهند. با توجه به گستردگی و تنوع داده‌ها و اطلاعات در تحقیق کیفی قبل از گردآوری باید از خود پرسیم که داده‌های تحقیق من چیست. پس از گردآوری و در زمان تجزیه و تحلیل نیز می‌پرسیم داده‌های من چه هستند و با این داده‌ها (تعدادی مصاحبه و مشاهده) چه کار می‌توانم بکنم؟

(۲) ببیند که کیفیت واحدهای مشاهده چه تفاوتی با یکدیگر دارند: چون داده‌های گردآوری شده از افراد و مکان‌های مختلف و با شیوه‌های مختلف کمی و کیفی با یکدیگر تفاوت دارند بنابراین موارد استفاده آنها نیز متفاوت خواهد بود. وجود اجحاف در یک سازمان را تعداد زیادی از کارکنان یادآور می‌شوند (پرداخت نابرابر پاداش‌ها) و همچنین تعبیری از وجود چگونگی اجحاف در سازمان ارائه می‌دهند (نبود ضوابط مکتوب جهت پرداخت پاداش‌ها یا رفیق‌بازی مدیر و لطف بیش از اندازه به خودی‌ها). به همین ترتیب، واحدهای مشاهده را نیز می‌توان طبقه‌بندی کرد؛ مانند مشاهده اینکه در این سازمان، آیین‌نامه مکتوب جهت پرداخت پاداش‌ها یا مأموریت‌ها

و کارهای درخشان وجود ندارد یا بسیار کلی و گنگ است (که خود گویای مشکل ساختاری و ناهماهنگی گردش کارها بر طبق ضوابط است) و یا بعضی از مشاهدات حاکی از این است که مدیر با افراد مختلف چگونه رفتار می‌کند؛ مثلاً به چه کسانی وام یا پاداش می‌دهد و به چه کسانی نمی‌دهد و یا کانالی که او از طریق آن از سازمانش اطلاعات می‌گیرد کدام است و چگونه از اینکه کسی کاری درخشان یا اشتباه انجام داده است مطلع می‌شود و آیا نظارت شخصی مستقیم بر امور دارد یا نظارتش غیرمستقیم و از طریق گزارش‌ها است که گویای نوع ارتباطات و شیوه برخورد مدیر با کارکنان است.

۳) از تعابیر خود آگاه باشید: از مشاهده تا ثبت داده‌ها تغییری در آنها رخ می‌دهد که متأثر از تعبیر ذهنی ما از مشاهدات است؛ اگر واحد مشاهده شما خانواده است می‌توانید در وسط یک برگه خطی عمودی بکشید. سپس در طرف راست آن مواردی را که می‌بینید و می‌شنوید یادداشت کنید و برداشت و تعابیر خود (مفاهیم اولیه) از آن موارد را در سمت چپ آن بنویسید. اگر این کار را به شرح زیر انجام دهید بهتر به تغییر مشاهدات به تعابیر آگاه می‌شوید. برای نمونه، برگه ثبت داده‌ها و تحلیل اولیه آنها در طرح بررسی چگونگی روابط زوجین طبقه متوسط شهری در تهران را در نظر بگیرید:

جدول ۱: نمونه‌ای از مشاهدات و تفاسیر اولیه از آنها

تعبیر ما از آن موارد (مفاهیم اولیه)	موارد مشاهده‌شده
ایرادگیری و تحقیر زن توسط مرد	مرد به زنش می‌گوید که اسراف می‌کند و پول خرج کردن بلد نیست.
رقابت بر سر منابع مالی خانواده	زن و مرد درباره اینکه ماشین جدید به اسم چه کسی باشد مشاجره می‌کنند.
تلاش برای تغییر رفتارهای همسر	مرد به زنش می‌گوید: هر چه می‌گویم باز تو نمی‌فهمی.

منبع: نگارنده

جدول ۲: نمونه‌ای از مشاهدات و تفاسیر اولیه از آنها

<p>اعمال سلطه زن بر مرد</p>	<p>مرد در مهمانی درباره گذشته خود صحبت می‌کند و زن به او چشم‌غره می‌رود. مرد از سر کار می‌رسد و زن با اخم تخم می‌گوید که خسته است و در نصب پرده‌ها به کمک احتیاج دارد.</p>
-----------------------------	--

منبع: نگارنده

دو جدول بالا نشان می‌دهد که برداشت‌های اولیه ما از یک واحد مشاهده لزوماً یکسان و منطبق با یک نتیجه واحد نیست.

میزان تغییر داده‌ها از مشاهده تا تحلیل در همه موارد یکسان نیستند. نوع اسم ممکن است برای شناسایی جنسیت فردی کافی باشد. چون که ظاهر و نام افراد گویای جنسیت آنها است که کم و بیش قابل اعتماد است؛ اما نتیجه‌گیری از گفت‌وگو کلامی آسان نیست. برای نمونه می‌توان به مثالی در این باره اکتفا کرد که در آن متن مصاحبه ثبت‌شده و در داخل پرانتزها مفاهیم اولیه یا برداشت‌های محقق نوشته شده است:

”من با خیلی از دخترها دوستم (احساس تعلق عاطفی) ولی در واقع با هیچ کدومشون هم نیستم (دوست‌های متکثر) و نمی‌ذارم رابطه‌ام با اونا خیلی صمیمی بشه“ (آزاد ارمکی و طالبی، ۱۳۹۰: ۲۵)

۴) ارزیابی کیفیت مشاهدات کمک می‌کند: کیفیت داده‌ها گردآوری شده از طریق مشاهده یکسان یا خنثی نیستند و از نظر کیفی با همدیگر متفاوت‌اند. بعضی داده‌ها در ارائه تبیین‌ها بیشتر به ما کمک می‌کنند تا بعضی دیگر. برای نمونه وقتی ما از نظرات افراد درباره اختلافات خانوادگی سؤال می‌کنیم افرادی که این پدیده را تجربه کرده‌اند اطلاعات بهتری به ما می‌دهند تا افرادی که چنین تجربه‌ای ندارند:

”وقتی درباره فرزند سالاری تحقیق می‌کردم از افرادی که مورد خشونت کودکان خود قرار گرفته بودند پرس‌وجو می‌کردم. آنها اغلب راجع به خشونت‌های لفظی و گاهی به خشونت رفتاری مانند پرت کردن اشیاء توسط کودکان خود اشاره می‌کردند تا اینکه به مردی برخوردیم که بر اثر کتک خوردن از طرف پسرش سر و صورتش زخمی شده بود و شدیداً از پسرش می‌ترسید. تجارب او مشاهدات بسیار

بازرزش‌تری بودند تا داده‌هایی که در ده‌ها مصاحبه‌ی قبلی به دست آورده بودم. اظهارات او مرا با پدیده ترس از فرزندان را بهتر قابل‌درک کرد با اینکه قبلاً هم بارها شنیده بودم، اما این بار احساس کردم“ (تجربه نگارنده).

۵) کارکردهای متفاوت واحد مشاهده را بشناسید: این اطلاعات چگونه به شما کمک می‌کند تا به بتوانید تحلیل کنید. هر بخش از اطلاعات، در چه راستایی و به کدام بخش از توضیحات کمک می‌کند؟ بعضی اطلاعات، به خودی خود نشانگر و گویای شرایط خاص‌اند (فحش دادن که بیانگر خشونت لفظی است یا معترض بودن به شرایطی که نشانه نارضایتی است) اما بعضی دیگر، بیانگر وضعیت عمومی هستند (عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی که الزاماً نشانه عدم آگاهی رانندگان از مقررات نیست اما می‌تواند نشانه عدم وجود ذهنیت شهروندی باشد). پس باید بدانید که کدام یک از داده‌های شما منطبق بر یکی از دو گونه حالت فوق است؛ و برای تعبیر و تفسیر کدام یک از داده‌ها باید تحلیل ارائه کنید.

۶) نقش واحدهای مشاهده را روشن کنید: درباره هر داده‌ها باید مشخص کرد که در تحقیق نقش سازنده^۱ دارد یا توضیح‌دهنده^۲ است یعنی آن واحد مشاهده خاص جهت ساختن و پرداختن تبیین به کار می‌رود یا برای توضیح، تأیید و نمایش یا به بیان دیگر برای تأیید یا مصداقی جهت نشان دادن جنبه‌ای از پدیده به کار گرفته می‌شود (میسون، ۱۹۹۷: ۱۴۳). با توجه به مثال بالا درباره مدیریت می‌توان پرسید که آیا شیوه ارتباطی مدیر در سازمان گویای شیوه مدیریت او است (او پدرسالار است که به شیوه ارتباطی شفاهی تکیه می‌کند) یا اینکه فقط مصداقی جهت نمایش شیوه مدیریت سنتی و پدرسالار است.

برای اینکه مطمئن شویم هر داده‌ای را به چه منظوری به کار می‌گیریم، می‌توانیم بپرسیم که آیا بحث و استدلال بدون وجود این داده معقول و قانع‌کننده است یا نه. اگر جواب منفی باشد این داده نقش سازنده‌ای دارد. این پرسش‌ها ضروری است زیرا که مجبورید بخشی از اطلاعات را حذف کنید و قسمت‌هایی از سایر بخش‌ها را جهت توضیح و تأیید و اثبات در متن گزارش نقل کنید. شما با یک گفت‌وگو درونی به پیچیدگی این موضوع پی می‌برید و این کمک می‌کند که بدانید چگونه از مشاهدات خود استفاده بکنید، موارد تکراری را حذف کنید، از نقل‌قول استفاده کنید و بدانید نقل‌قول‌ها در متن چه نقشی ایفا می‌کنند.

¹ constitutive

² illustrative

نقش داده‌ها در تجزیه و تحلیل

کلیه فعالیت‌ها در تحقیق کیفی از تعریف مسئله تا گردآوری اطلاعات و از پردازش داده‌ها تا تجزیه و تحلیل، کلیتی را تشکیل می‌دهد که از یکدیگر جدا نیستند. با توجه به نوع و کیفیت داده‌ها در تحقیقات کیفی، در قدم‌های بعدی تجزیه و تحلیل آنها و در نهایت استفاده از آنها در ساختن نظریه انجام می‌شود. بیشتر مطالبی که درباره مفهوم پردازش و مقوله پردازش ارائه شد با تجزیه و تحلیل داده‌ها مرتبط است. از آنجا که جدایی دقیق بین طبقه‌بندی و تحلیل وجود ندارد، هرگونه طبقه‌بندی به نوعی یا تحلیل است یا به تحلیل‌ها کمک می‌کند.

اگر تحلیل داده‌ها را کشف الگوهای جدید و سازمان‌دهی اطلاعات به شکلی معنی‌دار بدانیم، تحلیل یعنی به هم ریختن اطلاعات، پس از گردآوری و سازمان‌دهی مجدد آنها به شکلی جدید و متقاعدکننده. به عبارت دقیق‌تر تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیق کیفی عبارت است از فرایندی که مستلزم شناخت مفاهیم، مقوله‌ها و زمینه‌ها (مضمون و محتوا) و ساختن و پرداختن فرضیه‌ها (ایده‌ها) است. در اینجا منظور از فرضیه، همان اظهار یا ارائه قضایا جهت ایجاد حساسیت به شرایط پدیده مورد نظر است؛ تا به درک پدیده کمک کند. برخلاف سایر روش‌های تحقیق، هدف در روش کیفی پذیرفتنی بودن فرضیه‌ها است نه اثبات آنها (استراس و کوربین، ۱۹۹۰). به بیان دیگر در تحقیق کیفی فقط یادگیری شیوه‌ها و روش‌ها کافی نیست؛ بلکه به میزان زیادی به آزادی، انعطاف‌پذیری و خلاقیت نیاز است. از کیفیت مفاهیم و مقوله‌ها چنین بر می‌آید که رسیدن به مضمون‌ها می‌تواند هم نتیجه تجزیه و تحلیل رسمی داده‌ها باشد و هم از مشاهدات محقق در ضمن گردآوری اطلاعات به دست آمده باشد.

تحلیل، فرایندی مرموز و تا حدی ناشناخته در تحقیق است. در تحلیل، ما به معنایی داده‌ها را روایت می‌کنیم. طبقه‌بندی داده‌ها در ذهن محقق صورت می‌گیرد و به همین دلیل روایت‌های متعدد و متفاوتی وجود دارد. تحلیل به میزان زیادی وابسته به شناخت شهودی، کشف ناگهانی، بینش و برداشت‌های شخصی است.

طرفداران روش تحقیق کیفی معتقدند که منظور از تحلیل داده‌ها این است که ما داده‌ها را به شکلی قابل فهم سازمان‌دهی کنیم. در تجزیه و تحلیل، ما اطلاعات را در کلیت خود بررسی می‌کنیم و آنها را در یک چهارچوب معنی‌دار جامعه‌شناختی یا انسان‌شناختی قرار می‌دهیم. این مرحله از تجزیه و تحلیل با ایجاد و ارتباط دادن مقوله‌ها به یکدیگر همزمان است. از آنجا که در تحقیق کیفی هم‌زمانی گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل وجود دارد میزانی از تحلیل در جریان جمع‌آوری اطلاعات صورت می‌گیرد. طبقه‌بندی و پردازش داده‌ها در چنین تحقیقاتی بخشی از تحلیل به شمار می‌رود که تمایل به شکل‌دهی چهارچوب نظری را نشان می‌دهد. برای نمونه به یک نقل قول از متنی درباره سیاست فرهنگی و مفاهیمی که محقق در ضمن بررسی ساخته و پرداخته کرده است توجه کنید:

”سیاست فرهنگی ایران در سه سطح قابل بررسی است؛ ”سیاست فرهنگی آرمانی یا مصوب“، ”سیاست فرهنگی اداری یا محقق“ و در نهایت ”سیاست فرهنگی تجربه‌شده“ را از یکدیگر تفکیک می‌کنیم یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست فرهنگ در ایران، ضعف پیوستگی میان سطوح مختلف فرهنگی است. این ناپیوستگی (سیاست‌های فرهنگی) موجب شده است که سیاست فرهنگی در ایران عرصه ”چانه‌زنی فرهنگی“ میان دولت و مردم شود. در این فرایند، نهادهای اداری مجری سیاست فرهنگی گفتمان رسمی، بیش از آنکه مجری این سیاست باشند نقش واسطه فرهنگی را ایفا می‌کنند. در نتیجه این وساطت فرهنگی، مردم می‌توانند ضمن پذیرش بخشی از سیاست فرهنگی، بخش دیگر آن را دست‌کاری ... کنند“ (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۳۱۲).

رابطه داده‌ها با تجزیه و تحلیل رابطه‌ای دو سویه است. همان قدر که داده‌ها یا همان واحدهای مشاهده، نوع تحلیل‌ها را تعیین می‌کند، تحلیل‌ها نیز نوع داده‌هایی را که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد مشخص می‌سازد، به عبارتی:

”پیشرفت‌های نظری در انسان‌شناسی بیشتر شامل مشخص‌تر شدن معیارهای مناسب بودن است. به عبارت ساده‌تر، موضوع مناسب بودن در مواقعی که محقق به همه آنچه می‌بیند علاقه‌مند است، موضوعی مهم به شمار نمی‌رود؛ اما وقتی علائق او و مسئله تحقیق تعریف شدند، در این هنگام باید بسیاری از نکات و دیده‌ها را به عنوان مطالب نامناسب و بی‌ربط حذف نمود“ (بیتی، ۱۹۶۴: ۸۱).

نتیجه‌گیری

تحقیق مرکب از مجموعه فعالیت‌های پیچیده و مرتبط به یکدیگر است. انتخاب واحد مشاهده و بررسی آنها یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های این روند است. در نهایت محقق استنباطات علمی خود را بر مبنای داده‌هایی انجام می‌دهد که به طور مستقیم مشاهده کرده است. از این رو توجه به چگونگی واحد مشاهده از اهمیت زیادی برخوردار است. از آنجا که در تحقیقات کیفی توجه به محتوا از اصول به شمار می‌رود، لذا توجه به واحدهای مشاهده به عنوان پایه‌های استنباطات بعدی، مدیریت خاصی را می‌طلبد. وقتی که محقق با منابع داده‌ها (اعم از منابع غیرمستقیم و یا مشاهدات دست اول) برخورد می‌کند لازم است که نه تنها اهمیت بلکه کیفیت آنها را نیز در نظر گیرد. همچنین لازم به یادآوری است که منابع اطلاعاتی داده‌ها ممکن است طیف وسیعی را در برگیرد و آنچه در این نوشته به عنوان منابع واحدهای مشاهده مطرح شدند ممکن است که با ناقص باشد و در شرایطی یافتن منابع جدید ضروری گردد.

آگاهی از نقش واحدهای مشاهده، ارزیابی کیفیت آنها و تأثیر ذهنیت‌های خود محقق در انتخاب، مشاهده و ثبت داده‌ها در ارزیابی کلی طرح تحقیقی اثرات تعیین‌کننده‌ای دارد. به عنوانی محقق در هر لحظه که به مشاهده امری می‌پردازد و بعد به ثبت آن اقدام می‌کند باید بداند که این واحد مشاهده چه نقشی در تجزیه و تحلیل نهایی او دارد و اینکه آیا واحدی را که ثبت کرده است به خوبی نمایانگر آن است که مشاهده کرده است یا تغییراتی در آن رخ داده است.

هدف نهایی تحقیق کیفی ارائه تجزیه و تحلیل در شکل مفهوم‌پردازی و مقوله‌پردازی و یا حتی نظریه است و با توجه به اینکه انتخاب واحدهای مشاهده در ارائه تحلیل‌ها اثر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد ضروری است که به واحدهای مشاهده با دید وسیع‌تری نگریست و فقط به عنوان داده‌های ساده به آنها نگاه نکرد. چنین برخوردی با واحد مشاهده در تحقیقات کیفی به غنی‌تر شدن تحقیقات و تحلیل‌ها می‌انجامد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و سحر طالبی (۱۳۹۰). «سنخ شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران» جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال ۲، شماره ۲، صص ۱-۳۴.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۲). نگرشی نو به سیاست فرهنگی؛ سیاست فرهنگی از دیدگاه مطالعات فرهنگی، شهرداری تهران، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۰). *مردم‌نگاری سفر، توصیفی انسان‌شناختی از فرهنگ و جامعه امروز غرب*، تهران: آراسته.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- خلیلی محسن و صالح‌نیا، نسرين (۱۳۹۱). «مسئله زن در نگرش قانون اساسی»، *پژوهش‌نامه زنان*، سال ۳، صص ۴۹-۶۹.
- فکوهی، ناصر و پارسا پوزه، سپیده (۱۳۸۸). *میزگرد فرهنگ شهر*، ویژه‌نامه فرهنگ شهر، شماره ۲ در Anthropology.ir
- Beathie, J, (1964). *Other Cultures*, New York, The Free Press.
- Berg, L. B (1989). *Qualitative Research Methods for the Social Sciences*, Boston: Allyn and Bacon.
- Bickman, L & Debora, J. R, (2009). *Applied Social Research*, 2nd ed, California: Sage.
- Bogdan, R. & Taylor S. J. (1975). *Introduction to Qualitative Research Methods; A Phenomenological Approach to the social Sciences*, New York: John Wily & Sons.
- Bryman, A (2008). *Social Research Methods*, 3rd ed. London: Oxford University Press.
- Denzin k. N & Yvonna S. L (1994). *Handbook of Qualitative Research*; London: Sage.
- Dixon R. B & Gray D (1987). *Handbook of Social Science Research*, London: Oxford University Press.
- Flick, U (2004). "Triangulation in Qualitative Research" In *A Companion to Qualitative Research*, London: Sage.
- Gillham B (2000). *Case Study Research Method*, London: Continuum.
- Hammersly, M. & Atkinson, P (1983). *Ethnography: Principles in Practice*, London: Tavistock.
- Mason, J (1997). *Qualitative Researching*, London: Sage.
- Miller, C. & Neil J. S (2002). *Handbook of Research Design and Social Measurement*. (6th ed.), London: Sage.
- Payne, G & Judy, P (2205). *Key Concepts in Social Research*, London: Sage.
- Rossi, Peter H. (1988). "On Sociological Data", In *Handbook of Sociology*. Neil J. Smelser (ed.), London: Sage, pp: 103-130.
- Strauss A. & Corbin J (1990). *Basics of Qualitative Research; Grounded: Theory Procedures and Techniques*, London: Sage.

